Journal of
International Criminal Law
www.iclj.ir

Volume 4, Issue 4, 2026

The Process of Applying Natural Law in Crime Prevention in the Light of Iran's Criminal Policy and International Instruments

Majid Pouyamehr [1], Alireza Mohammadbeyki [2*], Ali Alebouyeh [3]

1. Department of Criminal Law and Criminology, Emirates Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Law, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: ***Original Research***
Pages: ***29-43***

Corresponding Author's Info:
ORCID: *0000-0000-0000-0000*
TELL: *+980000000000*
Email: *a.mohammadbeiki@iau.ac.ir*

Article History:
Received: *10 Jun 2026*
Revised: *01 Oct 2026*
Accepted: *24 Nov 2026*
Published online: *22 Dec 2026*

Keywords:
Natural law, Iran's Criminal Policy, Crime Prevention, International Instruments, Criminal Justice.

ABSTRACT

This article examines the role of natural law in crime prevention by analyzing its theoretical and practical foundations within the framework of Iran's criminal policy and international instruments. It first introduces the fundamental principles of natural law, including the right to life, liberty, personal security, human dignity, justice, education, and self-determination, and explains their impact on crime prevention processes. It then discusses the cognitive, structural, functional, and supervisory components as the core elements of applying these principles in criminal policy. The next section analyzes Iran's criminal policy in areas such as human dignity, social justice, restorative justice, crime prevention, prisoners' rights, and rehabilitation, while highlighting existing capacities for strengthening this approach through public legal education, support for vulnerable groups, social justice development, and the reintegration of offenders into society. Another part of the article focuses on international instruments, including the UN Charter, the Universal Declaration of Human Rights, the 1966 Covenants, and the Nelson Mandela, Beijing, and Bangkok Rules, which embody natural law at the global level and serve as models for enhancing national criminal policies. Finally, it identifies major challenges, such as legal and jurisprudential inconsistencies, social inequalities, resource limitations, and insufficient judicial training, as the main obstacles to the full realization of this approach in Iran.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Karimpour Aliabad, A (2026). "The Process of Applying Natural Law in Crime Prevention in the Light of Iran's Criminal Policy and International Instruments". *Journal of International Criminal Law*, 4(4): 29-43.

فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۵

فرآیند کاربرد قوانین حقوق طبیعی در پیشگیری از جرائم در پرتو سیاست کیفری ایران و اسناد بین‌المللی

مجید پویامهر [۱]، علیرضا محمدبیکی [۲*]، علی آل‌بویه [۳]

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۳-۲۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰+

ایمیل: a.mohammadbeiki@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۹/۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق طبیعی، سیاست کیفری ایران، پیشگیری از جرم، اسناد بین‌المللی، عدالت کیفری.

چکیده

این مقاله با هدف بررسی نقش قوانین حقوق طبیعی در پیشگیری از جرائم، به تحلیل مبانی نظری و کاربردی این حقوق در پرتو سیاست کیفری ایران و اسناد بین‌المللی می‌پردازد. در ابتدا اصول بنیادین حقوق طبیعی از جمله حق حیات، آزادی، امنیت شخصی، کرامت انسانی، عدالت، آموزش و تعیین سرنوشت معرفی شده و تأثیر آنها بر فرآیندهای پیشگیری از جرم تبیین می‌شود. سپس مؤلفه‌های بینشی، ساختاری، عملکردی و نظارتی به‌عنوان ارکان اصلی کاربرد این اصول در سیاست کیفری مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش بعد، سیاست کیفری ایران در زمینه‌هایی چون کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، عدالت ترمیمی، پیشگیری از جرم، حقوق زندانیان و بازپروری تحلیل شده و ظرفیت‌های موجود برای تقویت این روند از طریق آموزش عمومی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، توسعه عدالت اجتماعی و بازگشت مجرمان به جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. بخش دیگری از مقاله به اسناد بین‌المللی اختصاص دارد؛ از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های ۱۹۶۶ و قواعد نلسون ماندلا، پکن و بانکوک، که به‌عنوان تجلی حقوق طبیعی در سطح جهانی و الگویی برای ارتقاء سیاست‌های کیفری ملی شناخته می‌شوند. در پایان، چالش‌هایی همچون ناسازگاری‌های حقوقی و فقهی، نابرابری‌های اجتماعی، محدودیت منابع و ضعف آموزش قضایی، موانع اصلی تحقق کامل این رویکرد در ایران معرفی شده‌اند.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

رابطه میان حقوق طبیعی و پیشگیری از جرم، همواره یکی از محورهای اصلی مباحث نظری حقوق و سیاست کیفری بوده است. حقوق طبیعی که بر پایه عقل، اخلاق و اصول عدالت جهانی شکل گرفته است، بر این اصل تأکید دارد که برخی حقوق و آزادی‌ها به‌طور ذاتی و فارغ از نظام‌های حقوقی موضوعه وجود دارند و باید مورد حمایت قرار گیرند. در دوران معاصر، پذیرش حقوق طبیعی ارتباط تنگاتنگی با حمایت از حقوق بنیادین بشر پیدا کرده است؛ حقوقی مانند حق حیات، آزادی، کرامت انسانی و عدالت که نه‌تنها به‌عنوان ارزش‌های اخلاقی انتزاعی بلکه به‌مثابه بنیان‌های اساسی برای طراحی سیاست‌های کیفری کارآمد و پیشگیرانه محسوب می‌شوند.

امروزه پیشگیری از جرم به یکی از اولویت‌های اصلی دولت‌های مدرن تبدیل شده است؛ زیرا تجربه نشان داده است که پاسخ‌های صرفا کیفری و مجازات‌محور، به‌تنهایی قادر به رفع ریشه‌های جرم نیستند. رویکرد پیشگیرانه مستلزم تلفیق اصول اخلاقی، اجتماعی و حقوقی در سازوکارهایی است که بستر ارتکاب جرم را کاهش دهند. در این زمینه، حقوق طبیعی چارچوب هنجاری منسجمی فراهم می‌کند که عدالت، انصاف و کرامت انسانی را به‌عنوان اصول راهنما در قانون‌گذاری و اجرای عدالت کیفری برجسته می‌سازد. بدین ترتیب، ادغام حقوق طبیعی در سیاست کیفری، نه‌تنها به مجازات بزهکاران محدود نمی‌شود، بلکه زمینه‌های اجتماعی لازم برای کاهش وقوع جرم را نیز تقویت می‌کند.

در نظام حقوقی ایران، تأثیر حقوق طبیعی در پیوند با فقه اسلامی و قوانین موضوعه به‌وضوح قابل‌مشاهده است. سیاست کیفری ایران در بسیاری موارد تلاش کرده است اصولی همچون کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و انصاف را در ساختارهای قانونی و اجرایی خود بازتاب دهد. این اصول با ارزش‌های بنیادین حقوق طبیعی همسو هستند و می‌توانند نقش مؤثری در راهبردهای پیشگیری از جرم ایفا کنند. برای نمونه، توجه به عدالت ترمیمی، رعایت حقوق زندانیان و دسترسی به خدمات حقوقی، نمونه‌هایی از تلاش برای هماهنگی میان سیاست کیفری داخلی و اصول جهان‌شمول حقوق بشر به شمار می‌روند. با این حال، چالش‌هایی نظیر تفاوت در اجرا، محدودیت‌های ساختاری و برخی تعارضات میان ایده‌آل‌های حقوق طبیعی و تفاسیر خاص فقهی همچنان باقی است.

در سطح بین‌المللی نیز، اسناد حقوق بشری بر اهمیت حقوق طبیعی در شکل‌دهی سیاست‌های کیفری مؤثر تأکید دارند. منشور ملل متحد (۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاقین بین‌المللی ۱۹۶۶، بسیاری از اصول حقوق طبیعی را به‌صورت تعهدات الزام‌آور یا شبه‌الزام‌آور برای دولت‌ها نهادینه کرده‌اند. علاوه بر این، اسناد تخصصی مانند «قواعد نلسون ماندلا» (۲۰۱۵)، «قواعد پکن» (۱۹۸۵) و «قواعد بانکوک» (۲۰۱۰) دستورالعمل‌های دقیق‌تری درباره رفتار انسانی، عدالت ترمیمی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر در نظام عدالت کیفری ارائه می‌کنند. این اسناد، جلوه‌های عینی تحقق حقوق طبیعی در عرصه بین‌المللی‌اند و چارچوبی فراهم می‌آورند که کشورها بتوانند راهبردهای پیشگیری از جرم خود را تقویت کنند.

تعامل سیاست کیفری ایران با استانداردهای حقوق بشری بین‌المللی، هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی را به همراه دارد. از یک‌سو، بهره‌گیری از رویه‌های جهانی مبتنی بر حقوق طبیعی می‌تواند مشروعیت و کارآمدی سیاست‌های پیشگیرانه ایران را ارتقا دهد؛ و از سوی دیگر، موانع حقوقی، فرهنگی و نهادی ممکن است مانع هم‌سویی کامل با این استانداردها شوند. این وضعیت ضرورت اتخاذ رویکردی بومی و در عین حال متعهد به اصول جهان‌شمول حقوق طبیعی و حقوق بشر را برجسته می‌سازد.

بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی فرآیند کاربرد حقوق طبیعی در پیشگیری از جرم می‌پردازد، با تمرکز ویژه بر سیاست کیفری ایران و نقش اسناد بین‌المللی. این پژوهش نشان می‌دهد که ادغام حقوق طبیعی در سیاست کیفری صرفا یک بحث نظری نیست، بلکه ضرورتی عملی برای تحقق عدالت، کاهش جرم و حمایت از کرامت انسانی به شمار می‌رود. تحلیل مبانی هنجاری، عناصر ساختاری و سازوکارهای عملی حقوق طبیعی در سیاست کیفری ایران، همراه با بررسی رهنمودهای

اسناد بین‌المللی، نشان می‌دهد که حقوق طبیعی می‌تواند ابزاری تحول‌آفرین برای پیشگیری از جرم در جوامع معاصر باشد.

۱- قوانین حقوق طبیعی (فطری) و تأثیر آن بر پیشگیری از جرم

قوانین حقوق طبیعی یا فطری، مجموعه‌ای از اصول بنیادین‌اند که به‌صورت ذاتی حقوق و تکالیفی برای انسان‌ها ایجاد می‌کنند و مستقل از قوانین وضع شده عمل می‌نمایند. این اصول که بر پایه عقل، اخلاق و عدالت شکل گرفته‌اند، از منظر فلسفه حقوق، معیار سنجش مشروعیت قوانین موضوعه و سیاست‌های کیفری به شمار می‌آیند (Finnis, 2011: 25).

در دوران مدرن، اندیشمندانی مانند جان لاک حقوق طبیعی را به‌صورت نظام‌مند با حقوق مدنی و سیاسی مرتبط کردند. لاک بر حق طبیعی زندگی، آزادی و مالکیت تأکید داشت و آن را مبنای مشروعیت حکومت و قوانین مدنی می‌دانست (Locke, 1980: 52). بر اساس این دیدگاه، رعایت حقوق طبیعی به محدودسازی قدرت حکومت و تضمین آزادی‌های فردی منجر می‌شود و زمینه‌ای مناسب برای سیاست‌های کیفری عادلانه و پیشگیرانه فراهم می‌آورد.

حقوق طبیعی در تحلیل عدالت اجتماعی و حقوق بشر نیز نقش مهمی پیدا کرد. نظریه‌پردازانی مانند ژان ژاک روسو و مونتسکیو با تأکید بر قرارداد اجتماعی و تفکیک قوا، نشان دادند که قوانین وضع شده تنها زمانی مشروعیت دارند که با اصول طبیعی انسان‌ها هماهنگ باشند (Rousseau, 1997: 78). در سیاست کیفری مدرن، این رویکرد به طراحی نظام‌های پیشگیری از جرم راه می‌یابد که علاوه بر مجازات، شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه را نیز بهبود می‌بخشد تا گرایش به بزهکاری کاهش یابد.

در اندیشه معاصر، حقوق طبیعی به‌طور مستقیم با نظام حقوق بشر بین‌المللی و سیاست کیفری کشورهای مختلف، از جمله ایران، مرتبط شده است. اصول فطری مانند کرامت انسانی، آزادی و عدالت در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی ۱۹۶۶ بازتاب یافته و به‌عنوان معیارهای جهانی برای طراحی سیاست‌های پیشگیرانه و عدالت ترمیمی مورد استفاده قرار می‌گیرند (Dworkin, 1985: 110).

در ایران، ادغام این اصول در سیاست کیفری می‌تواند از طریق حمایت از حقوق فردی، افزایش دسترسی به عدالت و ترویج عدالت اجتماعی، نقش مؤثری در پیشگیری از جرم ایفا کند. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهند که حقوق طبیعی، به‌ویژه هنگامی‌که با آموزش حقوقی عمومی و برنامه‌های بازپروری ترکیب شود، می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر کاهش نرخ جرم و ارتقاء عدالت کیفری داشته باشد (Hart, 1994: 97).

به‌طور خلاصه، قوانین حقوق طبیعی از دوره مدرن تا عصر معاصر چارچوبی فلسفی و عملی برای حمایت از حقوق بنیادین انسان فراهم کرده‌اند و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های کیفری و پیشگیری از جرم، هم در ایران و هم در سطح جهانی، غیرقابل انکار است. این قوانین، علاوه بر ارزش اخلاقی، معیارهایی عملی برای ارزیابی مشروعیت سیاست‌ها و طراحی سازوکارهای پیشگیرانه ارائه می‌دهند.

۲- اصول کلی قوانین حقوق طبیعی

قوانین حقوق طبیعی یا فطری، مجموعه‌ای از اصول بنیادین است که حقوق و آزادی‌های اساسی انسان‌ها را مستقل از قوانین موضوعه تضمین می‌کنند و در طول تاریخ فلسفه حقوق به‌عنوان معیار سنجش عدالت و مشروعیت قوانین شناخته شده‌اند (George, 2014: 33). این قوانین نه تنها اصول اخلاقی، بلکه هنجارهایی عملی برای طراحی سیاست‌های اجتماعی و کیفری فراهم می‌آورند. یکی از اساسی‌ترین حقوق طبیعی، حق حیات است که به هر انسانی تعلق دارد و دولت‌ها را موظف می‌سازد زمینه‌های تهدید حیات را کاهش دهند (Rawls, 2001: 91). حق امنیت شخصی نیز مرتبط با حفاظت از بدن و سلامت انسان است و شامل جلوگیری از شکنجه، بازداشت خودسرانه و خشونت‌های غیرقانونی می‌شود (MacIntyre, 2007: 56). این دو حق پایه‌ای‌ترین پیش‌نیاز برای تضمین سایر حقوق طبیعی هستند.

حق آزادی و کرامت انسانی، هسته مرکزی حقوق طبیعی محسوب می‌شود. کرامت انسانی به معنای احترام به ارزش ذاتی هر فرد و ایجاد شرایطی است که انسان بتواند به‌صورت آزاد و مستقل زندگی کند (Nagel, 2010: 72). آزادی اندیشه، بیان و مذهب، امکان تفکر مستقل، اظهارنظر و انتخاب باورهای دینی و فلسفی را برای افراد فراهم می‌کند و پایه‌ای برای توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه است (Sen, 2009: 134). حق برخورداری از عدالت، اصل برابری و انصاف را در تمامی تعاملات قانونی و اجتماعی تضمین می‌کند و دولت‌ها را موظف می‌سازد که دسترسی برابر به فرصت‌ها و منابع قانونی فراهم آورند (Beitz, 2009: 47). حق مالکیت و حق تعیین سرنوشت، امکان کنترل بر دارایی‌ها و تصمیم‌گیری در امور شخصی و اجتماعی را برای انسان‌ها تأمین می‌کنند و به استقلال اقتصادی و اجتماعی افراد کمک می‌نمایند (Shue, 1996: 88). از منظر اجتماعی و اقتصادی، حق آموزش و فرهنگ به افراد امکان توسعه مهارت‌ها، دانش و مشارکت فعال در زندگی اجتماعی را می‌دهد، درحالی‌که حق کار و شرایط مناسب کاری تضمین می‌کند که انسان‌ها بتوانند در محیطی امن و عادلانه مشغول به فعالیت شوند (Dworkin, 1985: 101). همچنین، حق بهداشت و رفاه بخشی از حقوق طبیعی است که دولت‌ها را موظف می‌سازد خدمات بهداشتی، درمانی و رفاهی را به‌منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان فراهم کنند (Nussbaum, 2011: 70). این اصول در کنار یکدیگر، چارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری اجتماعی، اقتصادی و کیفری فراهم می‌کنند. آنها مبنایی برای طراحی سازوکارهای پیشگیری از جرم، عدالت ترمیمی و توسعه انسانی به شمار می‌آیند، زیرا رعایت حقوق طبیعی به کاهش محرومیت‌ها و نابرابری‌ها و ایجاد محیطی امن و عادلانه منجر می‌شود. در نتیجه، سیاست‌گذاری مبتنی بر حقوق طبیعی نه تنها اخلاقی بلکه عملی و کارآمد است و می‌تواند معیار ارزیابی مشروعیت قوانین و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی باشد (George, 2014: 39).

۳- جایگاه اسناد بین‌المللی حقوق بشر و عدالت کیفری در تقویت کاربرد قوانین حقوق طبیعی در پیشگیری از جرم

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های معاصر در حمایت از قوانین حقوق طبیعی، انعکاس این اصول در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و عدالت کیفری است. اسناد بین‌المللی تلاش کرده‌اند حقوق طبیعی انسان را در قالب تعهدات الزام‌آور برای دولت‌ها صورت‌بندی کنند تا این حقوق نه تنها در مقام نظر، بلکه در عرصه عمل نیز به‌کار گرفته شوند. منشور ملل متحد (۱۹۴۵) با تأکید بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج احترام به حقوق بشر، نقطه آغازین این جریان محسوب می‌شود (United Nations, 1945, Preamble). به‌دنبال آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR, 1948) به‌عنوان «منشور حقوق طبیعی مدرن» اصولی چون حق حیات، آزادی، امنیت، منع شکنجه، آزادی بیان و حق دادخواهی عادلانه را به رسمیت شناخت (United Nations, 1948, arts. 3–11). این اسناد با تأکید بر جهان‌شمولی حقوق بشر، بنیانی برای سیاست‌های کیفری معاصر فراهم کرده‌اند تا دولت‌ها از رهگذر آنها، در راستای پیشگیری از جرم حرکت کنند.

مهم‌ترین اسناد الزام‌آور در این زمینه، دو میثاق ۱۹۶۶ یعنی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند. میثاق نخست بر حقوقی چون آزادی اندیشه، آزادی مذهب، حق دادرسی عادلانه، منع بازداشت خودسرانه و اصل برائت تأکید دارد (UN General Assembly, 1966a, arts. 9–14). این موارد در عمل، به‌منزله تضمین فرآیندهای عادلانه کیفری و پیشگیری از سوءاستفاده‌های نهادی است. از سوی دیگر، میثاق دوم بر حقوق اقتصادی و اجتماعی از جمله حق کار، آموزش، رفاه و بهداشت تأکید می‌کند (UN General Assembly, 1966b, arts. 6–13). همین حقوق اجتماعی در نگاه پیشگیرانه از جرم، نقش مهمی دارند؛ چراکه فراهم کردن فرصت‌های برابر و کاهش نابرابری‌های اجتماعی، بستری برای کاهش گرایش به بزهکاری فراهم می‌کند.

علاوه بر این اسناد، مجموعه‌ای از قواعد تخصصی سازمان ملل در حوزه عدالت کیفری و پیشگیری از جرم تصویب شده است. «قواعد نلسون ماندلا» یا قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (۲۰۱۵) بر ضرورت رعایت کرامت انسانی در نظام

زندانبانی و بازپروری تأکید دارد (United Nations, 2015, rules 1–3). «قواعد پکن» (۱۹۸۵) استانداردهایی برای عدالت کیفری نوجوانان ارائه داده و بر اقدامات پیشگیرانه اجتماعی در قبال کودکان و نوجوانان در معرض خطر تمرکز دارد (United Nations, 1985, rules 5–11). همچنین «قواعد بانکوک» (۲۰۱۰) به وضعیت خاص زنان زندانی پرداخته و دولت‌ها را ملزم به اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه در قبال آسیب‌های ناشی از بازداشت و مجازات زنان می‌کند (United Nations, 2010, rules 2–5). این قواعد در مجموع، ترجمان عملی اصول حقوق طبیعی در بستر سیاست کیفری‌اند.

از سوی دیگر، اسناد ناظر بر مبارزه با فساد و جرائم سازمان‌یافته، همچون کنوانسیون مبارزه با فساد (۲۰۰۳) و کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۰)، نیز به‌طور غیرمستقیم با حقوق طبیعی مرتبط هستند؛ زیرا فساد، تبعیض و جرائم سازمان‌یافته تهدیدی مستقیم برای حق برخورداری از عدالت، امنیت فردی و کرامت انسانی محسوب می‌شوند (United Nations, 2000, arts. 5–10; United Nations, 2003, arts. 7–13).

نکته مهم آن است که این اسناد تنها بر حقوق کیفری تمرکز ندارند، بلکه مجموعه‌ای از تدابیر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را برای پیشگیری از جرم به رسمیت می‌شناسند. این رویکرد چندبعدی با حقوق طبیعی پیوند مستقیم دارد، زیرا بر اساس اندیشه حقوق طبیعی، بزهکاری محصول فقدان شرایط عادلانه زیست انسانی است. به همین دلیل، پیشگیری مؤثر از جرم مستلزم تضمین حقوقی چون حق آموزش، حق کار، رفاه اجتماعی و عدالت در دسترسی به فرصت‌ها است.

با وجود این، در ایران اجرای کامل این اسناد با چالش‌هایی روبه‌رو است. نخست آنکه برخی مفاد آنها با مبانی فقهی و حقوق داخلی سازگار نیستند یا در عمل نیازمند تعدیل و تفسیر متناسب با ساختار بومی‌اند. دوم آنکه ایران در پذیرش برخی کنوانسیون‌ها حق شرط‌هایی اعمال کرده که دایره تعهدات اجرایی را محدود می‌سازد. سومین چالش، ضعف ضمانت اجرای بین‌المللی در برابر نقض حقوق بشر است که موجب می‌شود رعایت این اسناد بیشتر جنبه توصیه‌ای داشته باشد تا الزام عملی. با این وجود، بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در این اسناد می‌تواند به غنای سیاست کیفری ایران کمک کرده و در کنار مبانی حقوق طبیعی و فقهی، راهی برای توسعه پیشگیری از جرم فراهم کند.

۴- مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرایند کاربرد قوانین حقوق طبیعی در پیشگیری از انحرافات و جرائم

در این قسمت به تبیین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرایند کاربرد قوانین حقوق طبیعی در پیشگیری از انحرافات و جرائم پرداخته خواهد شد.

۴-۱- مؤلفه‌های بینشی در پیشگیری از جرم بر اساس قوانین حقوق طبیعی

مؤلفه‌های بینشی نقش کلیدی در شکل‌دهی و کاربرد مؤثر قوانین حقوق طبیعی در پیشگیری از انحرافات و جرائم دارند و اساسا به نوع نگاه به انسان، جامعه و عدالت بازمی‌گردند. این مؤلفه‌ها درک عمیقی از وضعیت انسانی، عدالت اجتماعی و ساختارهای اخلاقی و فرهنگی ایجاد می‌کنند و چارچوبی هنجاری و عملی برای کاهش جرم فراهم می‌آورند. نگاه به انسان به‌عنوان موجودی که از حقوق طبیعی برخوردار است و رفتارهایش نتیجه‌ای از تعاملات اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی است، از اصول بنیادین این بینش‌هاست. این دیدگاه سبب می‌شود به‌جای تمرکز صرف بر مجازات، اصلاح و توانمندسازی افراد مدنظر قرار گیرد، زیرا انسان حتی در صورت ارتکاب جرم دارای ارزش و کرامت ذاتی است و رفتار انحرافی اغلب ناشی از شرایط اجتماعی و روانی است که با تغییر آن‌ها می‌توان وضعیت را بهبود بخشید (Sen, 2009: 134).

عدالت اجتماعی یکی دیگر از ابعاد اساسی بینش‌های پیشگیرانه است؛ نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محرک‌های اصلی بسیاری از جرائم هستند. کاهش این نابرابری‌ها و ایجاد فرصت‌های برابر می‌تواند به کاهش وقوع جرم کمک کند، زیرا جامعه‌ای که در آن فقر و محرومیت گسترده است، مستعد بروز انحرافات است (Rawls, 2001: 91). در این راستا، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی نیز اهمیت دارد؛ افراد باید

نسبت به رفتارهای خود پاسخگو باشند و در عین حال جامعه و دولت‌ها مسئولیت دارند شرایط عادلانه و فرصت‌های برابر برای همه اعضای جامعه فراهم کنند تا از وقوع جرم جلوگیری شود (Beitz, 2009: 47).

بینش عدالت ترمیمی نیز بر بازسازی روابط اجتماعی و جبران خسارت‌ها تأکید دارد و معتقد است که مشارکت قربانی و مجرم در فرآیند ترمیمی می‌تواند بازپروری مؤثرتر را فراهم آورد. توجه به عوامل چندبعدی جرم نشان می‌دهد که بزهکاری تنها محصول تصمیم فردی نیست و مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی در آن نقش دارد. بنابراین پیشگیری از جرم مستلزم توجه هم‌زمان به علل ریشه‌ای مانند فقر، محرومیت، نابرابری و دسترسی ناکافی به آموزش است (MacIntyre, 2007: 56). توانمندسازی فردی یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم است که از طریق آموزش، مهارت‌آموزی و حمایت‌های روان‌شناختی و اجتماعی، افراد را قادر می‌سازد با مشکلات زندگی مواجه شوند و به‌جای ارتکاب جرم، راه‌حل‌های قانونی و سالم انتخاب کنند. این فرآیند باعث تقویت اعتماد به نفس، کاهش رفتارهای انحرافی و فراهم شدن مسیر بازپروری می‌شود (Nussbaum, 2011: 70). احترام به کرامت انسانی نیز جزء اصول بنیادین است؛ حتی مجرمین نیز باید با احترام و رعایت حقوق انسانی برخورد شوند، زیرا رفتارهای غیرانسانی نه تنها بی‌اثر است بلکه می‌تواند زمینه‌ساز افزایش رفتارهای مجرمانه شود (Nagel, 2010: 72).

در نهایت، مشارکت اجتماعی در پیشگیری از جرم ضرورت دارد. پیشگیری از جرم یک وظیفه جمعی است و همه اعضای جامعه، از دولت و نهادهای مدنی گرفته تا خانواده‌ها و جوانان، باید در این فرآیند فعال باشند. مشارکت فعال جامعه نه تنها از وقوع جرم جلوگیری می‌کند بلکه باعث ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و همبستگی اجتماعی می‌شود. مجموع این مؤلفه‌های بینشی، نگاهی جامع و انسانی به انسان، جامعه و عدالت ارائه می‌دهند و بستر مناسبی برای کاهش جرائم و رفتارهای انحرافی فراهم می‌آورند.

۲-۴- مؤلفه‌های ساختاری در پیشگیری از جرم بر اساس قوانین حقوق طبیعی

مؤلفه‌های ساختاری نقش حیاتی در طراحی و اجرای سیستم‌های حقوقی دارند و به‌طورکلی بر سازوکارها، نهادها و ابزارهایی تمرکز می‌کنند که به پیشگیری از جرم کمک کرده و اجرای قوانین بر اساس اصول حقوق طبیعی را مشروعیت می‌بخشند. وجود قوانین روشن، منسجم و عادلانه که بر اساس حقوق طبیعی تدوین شده باشند، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ساختاری به شمار می‌آید. این قوانین باید قابلیت اجرا داشته باشند، شفاف و عادلانه باشند و همسو با اصول جهانی حقوق بشر عمل کنند، زیرا رعایت عدالت در قانون‌گذاری موجب ایجاد اعتماد عمومی به سیستم حقوقی می‌شود (Dworkin, 1985: 101).

نظام قضایی مستقل و کارآمد از دیگر مؤلفه‌های کلیدی است. استقلال از سایر قوا، بی‌طرفی، احترام به حقوق و کرامت انسانی و رسیدگی سریع و مؤثر به پرونده‌ها از ویژگی‌های حیاتی یک سیستم قضایی کارآمد محسوب می‌شود. چنین سیستمی نه تنها اجرای صحیح قوانین را تضمین می‌کند، بلکه اعتماد عمومی را نیز تقویت می‌نماید (Rawls, 2001: 91).

ساختارهای آموزشی و اطلاع‌رسانی نیز نقش مهمی در پیشگیری از جرم دارند. آموزش حقوق شهروندی در مدارس و دانشگاه‌ها و کمپین‌های عمومی آگاهی‌بخشی موجب افزایش شناخت افراد نسبت به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی می‌شود و رفتارهای انحرافی را کاهش می‌دهد (Sen, 2009: 134). همچنین، ساختارهای حمایت اجتماعی شامل نهادهای مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای دولتی هستند که با ارائه حمایت‌های اقتصادی، روان‌شناختی و اجتماعی و برنامه‌های اصلاح و توانمندسازی، افراد آسیب‌پذیر و کسانی که در معرض خطر انحراف هستند را حمایت می‌کنند (Nussbaum, 2011: 70).

ساختارهای عدالت ترمیمی نیز به‌جای تمرکز صرف بر مجازات، بر بازگرداندن تعادل به جامعه و جبران خسارت‌ها تأکید دارند. مشارکت قربانی و مجرم در فرآیند حل‌وفصل مشکلات و برنامه‌های بازپروری و توان‌بخشی، بازگشت مؤثر مجرم به جامعه را تسهیل می‌کند (MacIntyre, 2007: 56). علاوه بر این، سیستم‌های نظارت و ارزیابی عملکرد نهادهای حقوقی

ضروری است تا اثربخشی قوانین و سیاست‌های پیشگیری از جرم به‌صورت مستمر بررسی و اصلاح شود.

ارتباطات و هماهنگی بین نهادها نیز عامل مؤثر دیگری است. همکاری میان نهادهای پلیس، قضایی و سازمان‌های حمایتی، تبادل اطلاعات و داده‌ها و هماهنگی اقدامات، تصمیم‌گیری‌های سریع‌تر و مؤثرتر را ممکن می‌سازد (Beitz, 2009: 47). در عصر حاضر، بهره‌گیری از فناوری و نوآوری، مانند سیستم‌های پایش هوشمند و فناوری‌های ارتباطی برای دسترسی به خدمات قانونی و اطلاع‌رسانی عمومی، نقش مهمی در تقویت مؤلفه‌های ساختاری و پیشگیری از جرم ایفا می‌کند.

به‌طورکلی، مؤلفه‌های ساختاری از طریق تقویت سیستم‌های قانونی و حقوقی، ایجاد نهادهای حمایتی و نظارتی، ارتقاء آموزش و آگاهی عمومی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، بستر مناسبی برای اجرای مؤثر قوانین حقوق طبیعی و کاهش جرم در جامعه فراهم می‌آورند. این مؤلفه‌ها چارچوبی عملی و سازنده برای تحقق عدالت، امنیت و کرامت انسانی ایجاد می‌کنند و تضمین می‌نمایند که سیاست‌های پیشگیری از جرم با اصول اخلاقی و حقوقی همسو باشد.

۳-۴- مؤلفه‌های عملکردی در پیشگیری از جرم بر اساس قوانین حقوق طبیعی

مؤلفه‌های عملکردی به روش‌ها و فرآیندهایی اشاره دارند که از طریق آن‌ها، سیستم‌های حقوقی و نهادهای مرتبط با عدالت به‌طور عملی در جامعه عمل می‌کنند. این مؤلفه‌ها تضمین می‌کنند که اصول و ساختارهای تعیین‌شده به‌درستی اجرا شوند و تأثیرات مثبت خود را بر کاهش انحرافات و جرائم اعمال کنند. کارایی سیستم‌های قضایی و اجرایی از مهم‌ترین جنبه‌های عملکردی است؛ رسیدگی سریع و منصفانه به پرونده‌ها، اجرای دقیق حکم‌ها و نظارت مستمر بر اصلاح مجرمان باعث افزایش اعتماد عمومی به عدالت و کاهش وقوع جرم می‌شود (Dworkin, 1985: 101).

اجرای عدالت ترمیمی یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی است که بر بازگرداندن تعادل اجتماعی و جبران خسارت‌های وارده تأکید دارد. جلسات ترمیمی میان قربانیان و مجرمان و برنامه‌های بازپروری فعال، بازگشت مؤثر مجرم به جامعه و توانمندسازی او را تسهیل می‌کند (MacIntyre, 2007: 56). آموزش مداوم کارکنان حقوقی و قضایی، شامل آموزش‌های فنی، حقوقی و اخلاقی، موجب آگاهی از تحولات جدید در حوزه حقوق طبیعی و تقویت مهارت‌های ارتباطی و اخلاقی آنان می‌شود و کیفیت عملکرد سیستم قضایی را ارتقا می‌دهد (Nussbaum, 2011: 70).

مشارکت فعال نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز عملکرد سیستم را تقویت می‌کند. ارائه خدمات حقوقی رایگان، حمایت روانی و اجتماعی از قربانیان و مجرمان و اجرای برنامه‌های توانمندسازی از جمله وظایف این نهادها هستند که می‌توانند بازگشت سالم افراد به جامعه و پیشگیری از انحرافات را تضمین کنند (Beitz, 2009: 47). پیشگیری از جرم از طریق برنامه‌های حمایتی، به‌ویژه حمایت از خانواده‌های در معرض خطر و ارائه دوره‌های آموزشی و مهارتی به جوانان، می‌تواند بستر مناسبی برای کاهش وقوع جرم فراهم آورد (Sen, 2009: 134).

نظارت بر اجرای قوانین و ارزیابی عملکرد نهادها، یکی دیگر از مؤلفه‌های عملکردی اساسی است. بررسی مداوم اجرای احکام قضایی و تحلیل دوره‌ای اثربخشی قوانین حقوق طبیعی، زمینه اصلاح و بهبود سیاست‌های پیشگیری از جرم را فراهم می‌کند. همچنین، دسترسی آسان و سریع به خدمات حقوقی، از طریق ارائه مشاوره‌های رایگان یا ارزان‌قیمت و اطلاع‌رسانی عمومی، آگاهی و توانمندی افراد را در دفاع از حقوق خود افزایش می‌دهد (Rawls, 2001: 91). امروزه استفاده از فناوری‌های نوین، شامل سیستم‌های نظارت الکترونیک و پایگاه‌های اطلاعاتی مشترک بین نهادهای قضایی و اجرایی، نقش مؤثری در تسهیل اجرای قوانین و پیشگیری از جرم ایفا می‌کند. این مؤلفه‌های عملکردی، ترجمان عملی مؤلفه‌های ساختاری و بینشی هستند و تضمین می‌کنند که سیستم‌های حقوقی و اجتماعی به‌درستی عمل کنند. اجرای کارآمد قوانین، حمایت از قربانیان و مجرمان، آموزش‌های مستمر و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، همگی از عوامل کلیدی برای پیشگیری مؤثر از انحرافات و جرائم در جامعه محسوب می‌شوند.

۴-۴- مؤلفه‌های نظارتی در پیشگیری از جرم بر اساس قوانین حقوق طبیعی

مؤلفه‌های نظارتی به مکانیسم‌ها و روش‌هایی اشاره دارند که برای نظارت و کنترل اجرای صحیح قوانین و سیاست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و تضمین می‌کنند که قوانین حقوق طبیعی به‌درستی اجرا شده و عدالت در جامعه برقرار گردد. نظارت قضایی مستقل از مهم‌ترین ابزارهاست که با ارزیابی عملکرد قضات و دادگاه‌ها، تضمین می‌کند که احکام صادره منطبق با اصول حقوق طبیعی بوده و بدون تبعیض اجرا می‌شوند. استقلال این نظارت از قدرت اجرایی، بی‌طرفی و منصفانه عمل کردن، از اهمیت بالایی برخوردار است (Peters, 1996: 88). وجود نهادهای نظارتی مستقل، مانند کمیسیون‌های حقوق بشر، به پایش اجرای قوانین و رعایت حقوق شهروندان کمک می‌کند. این نهادها می‌توانند عملکرد نهادهای اجرایی و قضایی را ارزیابی کرده، گزارش‌های دوره‌ای عمومی منتشر کنند و پاسخگویی به شکایات شهروندان را تضمین نمایند (O'Neill, 2002: 112). نظارت پارلمانی و دولتی نیز از دیگر مؤلفه‌های کلیدی است که با بررسی اثرات قوانین، پیگیری تخلفات دولتی و تخصیص منابع، عملکرد سیستم‌های قضایی و اجرایی را بهبود می‌بخشد (Ginsburg, 2003: 59).

نظارت اجتماعی و مدنی از طریق مشارکت عمومی، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، به افزایش شفافیت و پاسخگویی کمک می‌کند. رسانه‌های مستقل با اطلاع‌رسانی و افشای تخلفات و سازمان‌های حقوق بشری با ارائه گزارش‌های مستقل، نقش مؤثری در کنترل عملکرد سیستم قضایی و اجرایی ایفا می‌کنند (Howard, 2009: 74). فناوری‌های نوین نیز ابزارهای نظارتی مؤثری ارائه می‌دهند؛ پایگاه‌های داده الکترونیک و سیستم‌های پایش از راه دور، امکان ثبت دقیق اطلاعات، پیگیری مجرمان و کنترل اجرای برنامه‌های بازپروری را فراهم می‌کنند (Bennett, 2008: 46). ارزیابی دوره‌ای و حسابرسی عملکرد نهادها، با تحلیل اثرگذاری قوانین و بازخورد گرفتن از جوامع محلی، امکان اصلاح سیاست‌ها و بهبود فرآیندهای نظارتی را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، نظارت ویژه بر حقوق زندانیان و برنامه‌های بازپروری مجرمان، تضمین می‌کند که محیط‌های اصلاحی با استانداردهای حقوق بشری و حقوق طبیعی مطابقت داشته باشند و فرآیندهای بازپروری مؤثر واقع شوند (Feeley & Simon, 1992: 37). به‌طورکلی، مؤلفه‌های نظارتی با ایجاد نظارت مستقل قضایی، نهادهای نظارتی حرفه‌ای، مشارکت اجتماعی و مدنی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، چارچوبی مستحکم برای اجرای قوانین حقوق طبیعی فراهم می‌آورند. این مؤلفه‌ها نقش حیاتی در تضمین عدالت، پاسخگویی و کاهش انحرافات و جرائم ایفا می‌کنند و پایه‌ای برای یک سیستم حقوقی کارآمد و شفاف ایجاد می‌نمایند.

۵- وضعیت سیاست کیفری ایران در کاربرد قوانین حقوق طبیعی در پیشگیری از جرائم

سیاست کیفری ایران همانند بسیاری از کشورها از مجموعه‌ای از قوانین و نهادهای قضایی و اجرایی تشکیل شده است که در تلاش برای مقابله با جرم و حفظ نظم اجتماعی عمل می‌کنند. در کشورهای مختلف، قوانین حقوق طبیعی بر کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر، بازپروری مجرمان و پیشگیری از جرم تأکید دارند و به‌عنوان پایه‌ای برای طراحی سیاست‌های کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرند (Rawls, 1999: 42). یکی از اصول بنیادین این قوانین، کرامت انسانی است که بر حفظ ارزش ذاتی هر فرد، حتی مجرم، تأکید دارد و رفتارهای غیرانسانی را محکوم می‌کند (Sen, 2009: 88). عدالت اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌های برابر نیز از مؤلفه‌های کلیدی حقوق طبیعی به شمار می‌روند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توانند محرک‌های اصلی وقوع جرم باشند و سیاست‌های کیفری مؤثر نیازمند کاهش نابرابری و ایجاد فرصت‌های برابر در دسترسی به آموزش، شغل و خدمات اجتماعی هستند (Young, 2011: 55). همچنین، عدالت ترمیمی که بر جبران خسارت، بازسازی روابط اجتماعی و مشارکت قربانی و مجرم تأکید دارد، به‌عنوان رویکردی جایگزین یا مکمل برای مجازات‌های صرف مورد توجه قرار گرفته است (Zehr, 2002: 21). یکی دیگر از جنبه‌های مهم قوانین حقوق طبیعی، پیشگیری از جرم است. این پیشگیری می‌تواند از طریق آموزش عمومی، برنامه‌های مداخله‌گرایانه زودهنگام و توانمندسازی افراد در معرض خطر

انجام شود (Tonry, 2011: 107). دسترسی به عدالت و خدمات حقوقی نیز عامل مهمی در کاهش جرم و تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی است، چراکه افراد آگاه‌تر و توانمندتر قادر به دفاع از حقوق خود و جلوگیری از نقض قوانین خواهند بود (Peters, 1996: 91). حقوق زندانیان و برنامه‌های بازپروری نیز در تحقق اصول حقوق طبیعی نقش دارند. توجه به بازپروری، آموزش و مهارت‌آموزی زندانیان و ارتقاء شرایط نگهداری آنها می‌تواند از چرخه تکرار جرم جلوگیری کند و بازگشت مجرمان به جامعه را تسهیل نماید (Morris & Tonry, 1990: 68). نهایتا، مؤلفه‌های نظارتی و شفافیت، از جمله وجود نهادهای مستقل برای پایش اجرای قوانین و پاسخگویی به تخلفات، برای تضمین اجرای صحیح حقوق طبیعی ضروری است (Fung, 2006: 33).

در ایران، اگرچه برخی تلاش‌ها برای رعایت کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و بازپروری مجرمان مشاهده می‌شود، اما سیاست کیفری هنوز فاصله زیادی با اجرای کامل قوانین حقوق طبیعی دارد. نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، دسترسی محدود به خدمات حقوقی، فقدان برنامه‌های جامع بازپروری و پیشگیرانه و محدودیت نظارت مستقل از جمله چالش‌های اصلی هستند. برای بهبود پیشگیری از جرم بر اساس اصول حقوق طبیعی، اصلاحات گسترده در سیستم قضایی، سیاست‌های زندان و نهادهای نظارتی ضروری است.

۶- ظرفیت‌های به‌کارگیری الگوهای مبتنی بر قوانین حقوق طبیعی برای پیشگیری از جرم در ایران

پیشگیری از جرم یکی از اهداف اساسی سیاست کیفری است که می‌توان آن را با بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر قوانین حقوق طبیعی تقویت کرد. قوانین حقوق طبیعی اصول اخلاقی و عدالت اجتماعی را در مرکز توجه خود قرار می‌دهند و می‌توانند به‌عنوان یک چارچوب مفهومی برای اصلاح و بهبود سیاست‌های کیفری در ایران بکار گرفته شوند. در ادامه، ظرفیت‌های موجود برای بهره‌گیری از این الگوها در ایران را بررسی می‌کنیم.

۶-۱- تقویت عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها

یکی از اصول کلیدی در قوانین حقوق طبیعی، عدالت اجتماعی و دسترسی برابر به فرصت‌ها است. در ایران، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی از عواملی هستند که به بروز جرم منجر می‌شوند. کاهش این نابرابری‌ها از طریق سیاست‌های اجتماعی نظیر ایجاد فرصت‌های آموزشی و شغلی در مناطق محروم، می‌تواند به کاهش انگیزه‌های جرم‌زایی کمک کند. برای مثال، ایجاد سیستم‌های حمایتی مؤثر برای جوانان در معرض خطر و یا توسعه برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی برای اقشار کم‌بضاعت از جمله اقداماتی هستند که با این اصل همسو می‌باشند.

۶-۲- توسعه آموزش‌های حقوقی عمومی

یکی از ظرفیت‌های مهم برای پیشگیری از جرم در چارچوب قوانین حقوق طبیعی، ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به حقوق و قوانین است. بسیاری از مردم، به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم، از حقوق قانونی خودآگاهی ندارند و همین موضوع می‌تواند به بروز رفتارهای ناهنجار منجر شود. افزایش برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها، بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و نهادهای مردمی برای ترویج آموزش‌های حقوقی می‌تواند به تقویت پیشگیری از جرم کمک کند.

۶-۳- اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی که بر جبران آسیب‌ها و بازپروری مجرمان تمرکز دارد، ظرفیت قابل‌توجهی برای کاهش نرخ جرم و جلوگیری از بازگشت مجرمان به چرخه جرم دارد. در ایران، استفاده از الگوهای عدالت ترمیمی به شکل محدودی در برخی پرونده‌ها به کار گرفته شده، اما با توسعه این رویکرد و گسترش آن به جرائم مختلف، می‌توان به نتایج مثبتی دست‌یافت. برنامه‌هایی مانند مصالحه میان قربانیان و مجرمان، یا استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس که بر اصلاح مجرمان تمرکز دارند، از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه محسوب می‌شوند.

۶-۴- پیشگیری از جرم از طریق خانواده و جامعه

حقوق طبیعی بر تقویت نهاد خانواده و پیوندهای اجتماعی به‌عنوان عواملی که می‌توانند در پیشگیری از جرم نقش مهمی ایفا کنند، تأکید دارد. در ایران، می‌توان از ظرفیت‌های موجود

در نهادهای دینی و فرهنگی و همچنین سازمان‌های غیردولتی برای تقویت پیوندهای اجتماعی و ارائه برنامه‌های حمایتی برای خانواده‌های در معرض خطر استفاده کرد. ایجاد برنامه‌های مشاوره‌ای و روان‌شناسی در مدارس و مساجد و تقویت نهادهای حمایتی خانوادگی می‌تواند به کاهش انگیزه‌های جرم کمک کند.

۶-۵- بازپروری و بازگشت مجرمان به جامعه

بازپروری مجرمان به‌جای تمرکز صرف بر مجازات یکی از اصول اساسی در قوانین حقوق طبیعی است. هرچند که سیستم قضایی و زندان‌های ایران در این زمینه اقداماتی مانند آموزش‌های حرفه‌ای و بازپروری را در پیش گرفته‌اند، اما این اقدامات هنوز کافی نیست. با توجه به ظرفیت بالای نیروی انسانی در زندان‌ها و نیز نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور، توسعه برنامه‌های بازپروری و حرفه‌آموزی مجرمان، به‌ویژه در میان جوانان، می‌تواند به بازگشت سالم‌تر آنها به جامعه کمک کند و چرخه جرم را متوقف نماید.

۶-۶- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

در چارچوب حقوق طبیعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر یکی از الزامات است. این شامل افراد بیکار، بی‌خانمان‌ها، مهاجران و خانواده‌های فقیر می‌شود. در ایران، می‌توان با توسعه سیاست‌های حمایتی اجتماعی و ارائه خدمات رفاهی مؤثر برای این گروه‌ها، زمینه‌های جرم‌زایی را کاهش داد. اقداماتی نظیر افزایش حمایت‌های اجتماعی از خانواده‌های در معرض خطر، ایجاد مسکن‌های حمایتی برای افراد بی‌خانمان و توسعه بیمه‌های اجتماعی فراگیر می‌تواند از بروز جرم در میان این اقشار جلوگیری کند.

۶-۷- توسعه نظام قضایی دسترس‌پذیر

دسترسی به عدالت و خدمات حقوقی از دیگر اصول کلیدی حقوق طبیعی است. در ایران، با وجود سیستم قضایی گسترده، بسیاری از افراد به‌ویژه در مناطق دورافتاده و روستایی، از خدمات حقوقی کافی برخوردار نیستند. توسعه دفاتر خدمات حقوقی رایگان یا کم‌هزینه در این مناطق و همچنین آموزش عمومی در خصوص حقوق قانونی می‌تواند به کاهش وقوع جرم کمک کند.

۶-۸- پیشگیری زودهنگام و شناسایی افراد در معرض خطر

یکی از راهکارهای اصلی در پیشگیری از جرم، شناسایی و مداخله زودهنگام برای کمک به افرادی است که در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دارند. در ایران، می‌توان از ظرفیت نهادهای آموزشی، مشاوره‌ای و فرهنگی برای شناسایی افراد در معرض خطر مانند جوانان دارای مشکلات رفتاری و خانوادگی و ارائه خدمات حمایتی به آنها استفاده کرد. ایجاد برنامه‌های مشاوره‌ای و روان‌درمانی در مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین همکاری با نهادهای دینی و اجتماعی می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

قوانین حقوق طبیعی با توجه به اصولی همچون عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، آموزش عمومی و بازپروری، ظرفیت‌های بالایی برای بهبود پیشگیری از جرم در ایران دارند. برای استفاده بهتر از این ظرفیت‌ها، نیاز به برنامه‌ریزی جامع و همکاری میان نهادهای دولتی، قضایی و مردمی وجود دارد تا رویکردهای پیشگیرانه تقویت شده و جرائم به حداقل برسند.

۷- چالش‌های فراروی الگوهای مبتنی بر قوانین حقوق طبیعی برای پیشگیری از جرم در ایران

درحالی‌که الگوهای مبتنی بر قوانین حقوق طبیعی می‌توانند مبنایی برای اصلاح و بهبود سیاست‌های کیفری و پیشگیری از جرم باشند، اجرای این الگوها در ایران با چالش‌های متعددی روبروست. این چالش‌ها به عوامل ساختاری، فرهنگی، اقتصادی و قانونی برمی‌گردند که در ادامه به بررسی برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شده است.

۷-۱- عدم انطباق کامل با سیستم حقوقی و فقهی موجود

سیستم حقوقی ایران عمدتا بر پایه‌ی فقه اسلامی استوار است. هرچند برخی اصول حقوق طبیعی مانند کرامت انسانی و عدالت اجتماعی با اصول اسلامی هماهنگ هستند، اما در مواردی مانند مجازات‌های قصاص، حدود و تعزیرات که مجازات‌های سنگینی مانند اعدام یا قطع عضو دارند، با اصول حقوق طبیعی در تضاد قرار می‌گیرند. این تفاوت‌ها اجرای جامع الگوهای حقوق طبیعی را با چالش مواجه می‌کند و می‌تواند منجر به مقاومت از سوی نهادهای مذهبی و قضایی شود.

۲-۷- نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی

در ایران، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی عمیقی وجود دارد که اجرای مؤثر الگوهای مبتنی بر حقوق طبیعی را دشوار می‌سازد. فقر، بیکاری و نبود فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه، از مهم‌ترین عواملی هستند که به بروز جرم منجر می‌شوند. هرچند که قوانین حقوق طبیعی بر عدالت اجتماعی تأکید دارند، اما بدون رفع ریشه‌های این نابرابری‌ها، ایجاد تغییرات اساسی در پیشگیری از جرم ممکن نخواهد بود.

۳-۷- محدودیت منابع مالی و ساختاری

اجرای برنامه‌های جامع پیشگیرانه و بازپروری مبتنی بر حقوق طبیعی نیازمند منابع مالی، زیرساخت‌های مناسب و نیروی انسانی متخصص است. در ایران، کمبود بودجه برای اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی، یکی از چالش‌های اصلی است. همچنین نبود سیستم‌های حمایتی کافی برای مجرمان پس از آزادی از زندان، مانند برنامه‌های آموزشی، شغلی و روان‌درمانی، بازگشت آن‌ها به جامعه را با مشکل مواجه می‌کند و می‌تواند باعث افزایش نرخ بازگشت به زندان شود.

۴-۷- نبود فرهنگ عمومی در حمایت از حقوق طبیعی

یکی از موانع بزرگ در اجرای الگوهای مبتنی بر حقوق طبیعی، فقدان فرهنگ عمومی مناسب در حمایت از این اصول است. در بسیاری از موارد، جامعه ایران به‌دلیل تأثیرات فرهنگی و مذهبی، تمایل بیشتری به مجازات‌های سنگین و مجازات‌های بدنی دارد تا به رویکردهای بازپروری و عدالت ترمیمی. این موضوع نیازمند تغییرات فرهنگی و ارتقاء آگاهی عمومی است تا افراد و نهادها به پذیرش رویکردهای حقوق طبیعی تمایل پیدا کنند.

۵-۷- نقص در نظام قضایی و اجرایی

نظام قضایی و اجرایی ایران با مشکلاتی نظیر کندی روند دادرسی، فساد و نبود نظارت مستقل مواجه است. این نقص‌ها باعث می‌شود که بسیاری از افراد نتوانند به حقوق قانونی خود دسترسی پیدا کنند یا از عدالت بهره‌مند شوند. این شرایط باعث می‌شود که حتی در صورت تدوین و تصویب قوانین پیشگیرانه و اصلاحی، اجرای آن‌ها به‌طور کامل انجام نشود و نتایج مورد انتظار محقق نشود.

۶-۷- مقاومت‌های سیاسی و نهادی

یکی دیگر از چالش‌های مهم، مقاومت‌های نهادی و سیاسی است. تغییرات بنیادین در نظام کیفری که مبتنی بر حقوق طبیعی باشند، ممکن است با مقاومت از سوی نهادهای حکومتی و مذهبی مواجه شود. این نهادها ممکن است به‌دلیل حفظ قدرت یا نگرانی از ایجاد تغییرات سریع، از اجرای سیاست‌های بازپروری و پیشگیری که بر اصول حقوق طبیعی استوار هستند، جلوگیری کنند.

۷-۷- کمبود آموزش و آگاهی در نظام قضایی

برای اجرای موفق الگوهای مبتنی بر حقوق طبیعی، نیاز به آموزش و آگاهی گسترده در میان قضات، وکلا و دیگر نهادهای قضایی است. اما در ایران، بسیاری از افراد فعال در نظام قضایی به‌اندازه کافی در این زمینه آموزش ندیده‌اند. نبود آموزش کافی و عدم درک کامل از مفاهیم حقوق طبیعی می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های نادرست در محاکم قضایی و در نتیجه عدم اجرای صحیح این اصول منجر شود.

۸-۷- عدم حمایت کافی از نهادهای مدنی

نهادهای مدنی می‌توانند نقش مهمی در ترویج و حمایت از حقوق طبیعی و اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرم داشته باشند. با این حال، در ایران، فعالیت نهادهای غیردولتی با محدودیت‌های قانونی و نظارتی مواجه است. فقدان آزادی عمل کافی برای این نهادها باعث می‌شود که ظرفیت‌های بالقوه آن‌ها در ترویج فرهنگ حقوق طبیعی و همکاری با دولت برای پیشگیری از جرم به‌طور کامل استفاده نشود.

اجرای الگوهای مبتنی بر قوانین حقوق طبیعی در ایران با چالش‌های فراوانی روبرو است. این چالش‌ها شامل مسائل ساختاری، فرهنگی، اقتصادی و نهادی می‌شود که نیازمند برنامه‌ریزی و اصلاحات اساسی در سیستم قضایی، آموزشی و اجتماعی کشور است. با این حال، با توجه به اهمیت حقوق طبیعی در بهبود پیشگیری از جرم، تلاش برای غلبه بر این

چالش‌ها و اجرای رویکردهای مبتنی بر کرامت انسانی و عدالت اجتماعی ضروری به‌نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داد که قوانین حقوق طبیعی، به‌عنوان اصولی ذاتی و بنیادین، نقش محوری در شکل‌دهی سیاست‌های کیفری و پیشگیری از جرم ایفا می‌کنند. این قوانین که بر پایه عقل، عدالت و کرامت انسانی استوارند، فراتر از قوانین موضوعه و محدودیت‌های ملی عمل کرده و معیاری جهانی برای ارزیابی مشروعیت سیاست‌ها و قوانین فراهم می‌آورند. پژوهش حاضر با بررسی اصول بنیادین حقوق طبیعی مانند حق حیات، امنیت شخصی، آزادی و کرامت انسانی، آزادی اندیشه، بیان و مذهب، دسترسی به عدالت، مالکیت، حق تعیین سرنوشت، آموزش و فرهنگ، حق کار و شرایط مناسب کاری و حق بهداشت و رفاه نشان داد که این حقوق نه تنها ارزش‌های اخلاقی هستند، بلکه ابزار عملی برای کاهش بزهکاری و ارتقاء عدالت اجتماعی محسوب می‌شوند.

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، اهمیت ادغام حقوق طبیعی در سیاست کیفری برای توسعه رویکردهای پیشگیری جامع از جرم است. پیشگیری از جرم تنها به اعمال مجازات یا محدودیت‌های قانونی محدود نمی‌شود؛ بلکه مستلزم ایجاد شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناسب است تا انگیزه‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم کاهش یابد. در این زمینه، حقوق طبیعی با تأکید بر کرامت انسانی، امنیت، عدالت و آزادی، چارچوبی مستحکم برای طراحی برنامه‌های پیشگیری فراهم می‌کند. به‌عنوان مثال، حق آموزش و فرهنگ و حق کار و شرایط مناسب کاری می‌توانند محرومیت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی را کاهش داده و از این طریق زمینه‌های بزهکاری را محدود سازند.

نتایج مطالعه همچنین نشان داد که مؤلفه‌های ساختاری، عملکردی، بینشی و نظارتی در بستر قوانین حقوق طبیعی نقش حیاتی دارند. مؤلفه‌های بینشی شامل آگاهی و آموزش افراد درباره حقوق طبیعی و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است و می‌تواند به افزایش مسئولیت‌پذیری و کاهش رفتارهای پرخطر منجر شود. مؤلفه‌های ساختاری شامل قوانین، نهادهای قضایی و اجرایی و سازوکارهای دسترسی به عدالت، تضمین‌کننده اجرای مؤثر حقوق طبیعی هستند. مؤلفه‌های عملکردی، همچون برنامه‌های عدالت ترمیمی، بازپروری مجرمان و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، به تحقق عملی اصول حقوق طبیعی کمک می‌کنند و مؤلفه‌های نظارتی شفافیت، پاسخگویی و اصلاح سیاست‌ها را تضمین می‌نمایند.

بررسی سیاست کیفری ایران نشان داد که با وجود توجه نسبی به برخی اصول حقوق طبیعی، چالش‌های مهمی همچنان باقی است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، محدودیت منابع مالی و ساختاری، مقاومت‌های نهادی و کمبود آموزش و آگاهی میان مسئولان قضایی و اجرایی اشاره کرد. این موانع، تحقق کامل رویکرد مبتنی بر حقوق طبیعی را محدود می‌کنند و نیازمند اصلاحات ساختاری، تقویت آموزش‌های حقوقی و ارتقاء فرهنگ حقوق بشر در جامعه هستند.

در سطح بین‌المللی، اسناد و قواعد حقوق بشر مانند منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی و قواعد تخصصی مانند قواعد نلسون ماندلا، پکن و بانکوک، نمونه‌های بارز تحقق حقوق طبیعی در عرصه جهانی‌اند که می‌توانند الگوی عملی برای سیاست‌های کیفری ملی فراهم کنند. تلفیق این استانداردها با سیاست کیفری داخلی، امکان ارتقاء عدالت، کاهش جرم و بازتوانی مؤثر مجرمان را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که رعایت حقوق طبیعی نه تنها یک ارزش اخلاقی بلکه ضرورتی عملی برای پیشگیری از جرم است.

به‌طورکلی، می‌توان نتیجه گرفت که قوانین حقوق طبیعی با ارائه اصول جامع برای حمایت از کرامت، آزادی، امنیت و عدالت، چارچوبی قابل اعتماد برای پیشگیری از جرم فراهم می‌آورند. سیاست‌های کیفری مبتنی بر این اصول قادر خواهند بود محرومیت‌ها و نابرابری‌ها را کاهش داده، دسترسی به عدالت را افزایش داده و شرایط اجتماعی و اقتصادی لازم برای کاهش بزهکاری را ایجاد کنند. علاوه بر این، حقوق طبیعی ابزاری مهم برای ارزیابی و اصلاح سیاست‌های موجود، ارتقاء شفافیت و پاسخگویی نهادهای قضایی و اجرایی و توسعه عدالت ترمیمی و بازپروری مجرمان فراهم می‌آورد. در نهایت،

ادغام اصول حقوق طبیعی در سیاست کیفری ایران و بهره‌گیری از تجارب و استانداردهای بین‌المللی می‌تواند به ایجاد نظام پیشگیری از جرم انسانی، عادلانه و مؤثر منجر شود که هم اهداف اجتماعی و اخلاقی را تحقق می‌بخشد و هم کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا می‌دهد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماما رعایت گردید.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: مقاله حاضر بدون اعتبار مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

- Beitz, C. R (2009). *The Idea of Human Rights*. Oxford: Oxford University Press.

- Bennett, C. J (2008). *The Privacy Advocates: Resisting the Spread of Surveillance*. Cambridge, MA: MIT Press.

- Dworkin, R (1985). *A Matter of Principle*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Feeley, M. M & Simon, J (1992). "The New Penology: Notes on the Emerging Strategy of Corrections and its Implications". *Criminology*, 30(4): 449-474.

- Finnis, J. (2011). *Natural Law and Natural Rights* (2nd Ed.). Oxford: Oxford University Press.

- Fung, A. (2006). "Varieties of Participation in Complex Governance". *Public Administration Review*, 66(s1): 66-75.

- George, R. P (2014). *In Defense of Natural Law*. Oxford: Oxford University Press.

- Ginsburg, T (2003). *Judicial Review in New Democracies: Constitutional Courts in Asian Cases*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Hart, H. L. A (1994). *The Concept of Law* (2nd Ed.). Oxford: Clarendon Press.

- Howard, P. N (2009). *The Digital Origins of Dictatorship and Democracy: Information Technology and Political Islam*. Oxford: Oxford University Press.

- Locke, J (1980). *Two Treatises of Government* (P. Laslett, Ed.). Cambridge: Cambridge University Press.

- MacIntyre, A (2007). *After Virtue* (3rd Ed.). Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.

- Morris, N., & Tonry, M (1990). *Between Prison and Probation: Intermediate Sanctions in a Rational Sentencing System*. Oxford: Oxford University Press.

- Nagel, T (2010). *Mortal Questions*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Nussbaum, M. C (2011). *Creating Capabilities*. Cambridge, MA: Belknap Press.

- O'Neill, O (2002). *A Question of Trust*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Peters, B. G (1996). *The Future of Governing: Four Emerging Models*. Lawrence, KS: University Press of Kansas.

- Rawls, J (1999). *A Theory of Justice* (Revised Edition). Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Rawls, J (2001). *Justice as Fairness: A Restatement*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Rousseau, J.-J (1997). *The Social Contract* (C. Betts, Trans.). Oxford: Oxford University Press.

- Sen, A (2009). *The Idea of Justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Shue, H (1996). *Basic Rights: Subsistence, Affluence, and US Foreign Policy* (2nd Ed.). Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Tonry, M (2011). *Punishing Race: A Continuing American Dilemma*. Oxford: Oxford University Press.

- UN General Assembly (1966a). *International Covenant on Civil and Political Rights*. New York: United Nations.

- UN General Assembly (1966b). *International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*. New York: United Nations.

- United Nations (1945). *Charter of the United Nations*. San Francisco: United Nations.

- United Nations (1948). *Universal Declaration of Human Rights*. Paris: United Nations.

- United Nations (1985). *United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (The Beijing Rules)*. New York: United Nations.

- United Nations (2000). *United Nations Convention against Transnational Organized Crime*. New York: United Nations.

- United Nations (2003). *United Nations Convention against Corruption*. New York: United Nations.

- United Nations (2010). *United Nations Rules for the Treatment of Women Prisoners and Non-Custodial Measures for Women Offenders (The Bangkok Rules)*. New York: United Nations.

- United Nations (2015). *United Nations Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (The Nelson Mandela Rules)*. New York: United Nations.

- Young, I. M (2011). *Justice and the Politics of Difference* (2nd Ed.). Princeton: Princeton University Press.

- Zehr, H (2002). *The Little Book of Restorative Justice*. Intercourse, PA: Good Books.